

# بروکار مرسته...



آدمی ناگزیر از زندگی دسته‌جمعی است و برای بقا و استمرار آن، به مجموعه‌ای از امکانات زیستی نیاز دارد. برای فراهم آوردن این امکانات، آحاد جامعه به‌ناچار باید در تعامل و ارتباط عملی و فکری با یکدیگر و طبیعت پیرامونی خویش قرار گیرند تا بتوانند احتیاجات روزمره خویش را تأمین کنند.

بله، لازم است آدمی به کاری اشتغال داشته باشد و با دیگر مردمان، در برآوردن نیازمندی‌های جمعی، همراهی کند. پس کار یک ضرورت اجتماعی است و در بقا و اعتلای حیات انسانی نقشی پررنگ دارد و نمی‌توان و نباید از آن غافل شد.

از این‌رو، به هر فرد، چنانکه در احادیث دینی آمده است، واجب است به کاری اشتغال داشته باشد. پیامبر خدا (ص) فرموده است: طلب کردن روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. نیز فرموده است: پس از نماز واجب، کارکردن و داشتن کسب‌وکار واجب است. (الحیاه، جلد ۵: ۴۳۰)

این رابطه‌ای دوسویه است. کارگر با نتیجه کار و تولید خود به اجتماع سود می‌رساند و خود نیز از کارها و تولیدات دیگران سود می‌برد. وی در هر حال در حال داد و ستد با مردم است. پس اگرچه هرکس باید به دنبال شغل مناسب با استعدادها، توانایی‌ها و علاقه‌های خویش باشد، اما با این کار زمینه را برای رشد و پیشرفت جامعه در ابعاد گوناگون فراهم می‌کند.

می‌بینید که کار از موضوعات محوری زندگی است و در ابعاد گوناگون حیات آدمی حضور دارد. این قوانین حاکم بر جهان و انسان هستند که به‌صورتی اساسی ضرورت کار و اهمیت آن را آشکار می‌کنند.



آیا می‌دانید در امور حقوقی، مانند معاملات، سکوت علامت رضایت نیست؟  
در میان مردم، این موضوع به صورت عمومی رایج شده که سکوت نشانه رضایت است. شاید سکوت در مراددهای اجتماعی چنین معنایی داشته باشد، ولی در موضوعات حقوقی این طور نیست. در ماده ۲۴۸ قانون مدنی آمده است: «سکوت مالک، ولو با حضور در مجلس عقد (محلّی که قرارداد تنظیم می‌شود)، اجازه محسوب نمی‌شود.»

انسان موجودی نیازمند است و کالاها و مواد مورد نیاز او در طبیعت نهفته‌اند. پس در قانون طبیعت، کار وسیله‌ای است برای فعلیت یافتن و آماده‌سازی مواد برای بهره‌داری انسان. در پرتو کار و تلاش است که کشاورزی انجام می‌یابد و مواد خوراکی تولید می‌شوند.

در پرتو تلاش و کار است که ابزارهای زندگی ساخته و پرداخته می‌شوند و بدین سان نیازهای متنوع انسانی پاسخ می‌گیرند. در جوامع انسانی، به هر طرف که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم همه امکانات زیستی و موهب طبیعی با عمل و کار آدمی فراهم آمده‌اند و از برکت کاری که روی آن‌ها صورت گرفته کامل و برای آدمی قابل مصرف شده است.

● ● ● ● ● ● ● ● ● ●  
به‌علاوه، «کار» آموزشگاه شناخت و تجربه نیز هست. با کار است که پرده از روی قوانین طبیعی برداشته می‌شود. بخشی از علوم بشر از راه کار و تلاش در طبیعت حاصل آمده است.

● ● ● ● ● ● ● ● ● ●  
از سوی دیگر، کار سبب فعلیت یافتن نیروها و استعدادها می‌آدمی است. ماهیت هستی انسان نمی‌بالد و تداوم نمی‌یابد مگر با تلاش و رنج و کوشش. انسان در صورت یکپارچگی و راحت‌نشستن دچار خمودگی، سستی و رکود می‌شود.

**امام علی (ع)** فرموده است: هرکس کار کند، توانش فزونی می‌یابد و آنکه کم کار کند یا بیکار باشد، ناتوانی و سستی او افزون می‌شود. (غررالحکم، ۲۶۹)

تنها تن آدمی نیست که به کار نیاز دارد، بلکه رشد روح و قوای معنوی و سلامت روان او نیز به کار بستگی دارد. اگر انسان نیاز به کار نداشت و اوقات خویش را به بیکاری می‌گذراند، به فساد و تباهی کشیده می‌شود و ناگزیر نیرو و انرژی خود را در راه‌هایی صرف می‌کرد که به نابودی خود و هم‌نوعانش می‌انجامید. پس آدمی باید به تلاش و کوشش مشغول باشد تا از پیامدهای یکپارچگی و بهبودگی و یا طغیان رفاه‌زدگی و راحت‌طلبی در امان بماند. آری با کار است که اعمال و وظایف دینی به انجام می‌رسند. پس انسان تنها از لحاظ جسمی نیازمند کار نیست، کار روان انسان را هم شکل می‌دهد و به هستی معنوی او استحکام می‌بخشد.

به‌علاوه، فناوری پیچیده و متنوع و شگفت، و دست‌آفریده‌های دیگر آدمی در مقوله‌های دیگر، حاصل کار و تلاش آدمی هستند. با کار است که آدمی پرده از قوانین طبیعت برمی‌دارد و ابزارهایی طراحی می‌کند که تسلط بیشتر او را بر آفاق ممکن می‌کنند.